

نویسنده : جیمس پتراس ()
منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «2017-12-09» .
برگردان : بوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

لرزش ویا تکانه به بالا و به پایین : چین ، عربستان سعودی و ایالات متحده امریکا

China ,Saudi Arabia and US shake up and shake down

تغییرات عمده بدنبال هم ، دولت ها ، جوامع و طبقات حاکم را به بزرگترین اقتصادهای صنعتی ؛ رژیم های نفتی و مجتمع های نظامی تحریک میکند .
چین منابع ثروت و سرمایه اقتصادی خود را برای ساخت و ساز وسیعترین سیستم زیرساختی مُدرن در تاریخ با چهار رقاره ارتباط میدهد .
عربستان سعودی یک تریلیون دلار غارت شده و به چپاول برده شده راز شاهزاده گان به شاهزادگان از پرازیت های کهنه کار تجاران حرفوی سعودی از بیابان های سراب عجیب و غریب به فانتزی های جدید شهرستانهای عالی و مجلل انتقال میدهد .
ایالات متحده امریکا به تخلیه و زدودن روحیه ای فسادسرمایه پرداخته و آنرا با رسوایی کنونی امروزی مجدداً پُر میکند .

یک وزیر از کابینه سبکدوش و اخراج میشود آن دیگری بعنوان وزیر خارجه استخدام میشود ، یک دشمن به آغوش کشیده میشود و با هم متحد مستحکم میگردد ، بازار سهام شگوفا میشود ، توافقات تجاری از بین میرود ، مالیات برشمرده ثابت و توانمند شده و با یکدیگری متصل و درهم می پیچد ، مستهلکین و مصرف کنندگان خفه و مختنق ساخته میشوند که همچو وضع را برخی ها آشفتگی میگویند ، دیگران این وضع را هرج و مرج و انا رشیزم تفسیر میکنند و آگاهان و شجاعان و قوی دلان چنین می پندارند که جهان به اینطریق در گردش و در تند و دوران است
اما این تکان خوردن های جهان به بالا و به پایین در حال کنونی برای همه دارای مفهوم و دارای جهتی است و آن به این مفهوم و معنی که برای لرزش و تکان خوردن ها چه به بالا و چه به پایین یک سلسله مُدل ها و پیرادیم ها (الگوها) وجود دارد .
لرزش و تکان خوردن های که به سمت بالا رخ میدهد طوری است که در همچو تکان

خوردن ها دیدگاه های و چشم اندازهای ثروت بخاطر رونق بخشی ورفاه با علم و با کشفیات توام میا شد یا به عباره دگر ثروت و سرمایه درپرتو علم و آگاهی و کشفیات بخاطر بهبود شرایط زندگی مورد استفاده قرار میگیرد.

شور و تکان خوردن ها به پاین طور یست که با بکار برد علم و هنر صاحبان قدرت بخاطر کسب و استحکام قدرت دست به کودتا ها بر اندازی ها و خونریزی فرقه های فقیر و نادار میزنند .

هنر ، هنرمندان در دادن تکانه و لرزش به پایین :

شهزاده عربستان سعودی **محمد بن سلمان** ، سیاست جدیدی را برای شکار علمی سیستمی تیک و طیف وسیع دنبال میکند ، آگاهی و دانش در این سبک و یا روش ها در شناسایی دقیق اهداف و رویکردها برای تامین امنیت و دستیابی به موفقیت کارایی مییابد .

محمد بن سلمان و همکارانش سیاست خود را در طیف وسیع و مدت زمان طولانی در چندین مرحله از مراحل بخوبی برنامه ریزی کرده اند .

اولاً: کل عملیات طیف وسیع و مدت زمان طولانی را بعنوان بخشی از تحول گسترده ای پادشاهی با ارایش یک سلسله واژه های کلیدی غربی تدوین کرده اند .

مثلاً مُدرنی کردن یک جامعه سنتی و بدوی ، پاک سازی ملتزمین و یا فساد پیشگان و رشوستانان ، تنوع اقتصاد وابسته به نفت ، خصوصی سازی شرکت های نفتی عربستان سعودی و جایگزین کردن شتر و چادر (خیمه) با شهرهای بزرگ و مجلل و مجهز در بیابان های سوزان و ریگزار عربستان سعودی .

بنا بر این **محمد بن سلمان** بخاطر کسب و تحکیم قدرت دولتی خود با انجام و با یک اقدام نهایی در یک عملیات از قبل طرح شده در آغاز کار به موج شکنی ها بحرکت افتاد و شهزادگان عربستان سعودی دربدو امر در انتظار شور و تکان خوردن های به سمت اسفل و یا پایینی بودند . و یا به عباره دیگر این شهزاده گان سعودی چنین انتظار داشتند که این تکان خوردن ها در قدم نخست به سمت پایین خواهد بود .

اما **محمد بن سلمان** بصورت منظم و با آماده گی همه جانبه شمشیر سلطنتی اش را از نیام برای دفاع از عدالت به برون کشید « با توجه به حامیان و طرفداران اش در رسانه ها و مطبوعات غربی همچو خبرنگاران مثل توماس فریدمن » و تعداد زیادی از شهزادگان فاسد سعودی و صدها نفر از نخبگان تجاری و نظامی را دستگیر (بخاطر آنکه این شهزاده گان اختطاف نگردند در هتل به نگهداری آنها پرداخته شد) و در هتل پنج ستاره ای هلتنون واقع در ریاض تحت نظارت قرار داده شدند .

این لرزش ها و تکانه خوردن ها در حال انجام بود اما اسیران را به نسبت موقوف و حیثیتی که داشتند در همچو شرایط آنها را در هتل که قبلاً از آن نام بردیم در تحت نظارت

قرار داده شدند و آزادی آنها را موکول به پرداخت غرامت و یا جبران خساره نمودند و آن به این مفهوم که آنها در صورت پرداخت مبلغ بعنوان پرداخت غرامت میتوانند از تحت نظارت آزاد گردند.



نخبگان و کارمندان مدرنیزی و عصری و وابسته به محمد بن سلمان دارای بالاترین درجه آگاهی و شناخت در امور مالی و حسابداری بوده و در محاسبه باز پرداخت مناسب نسبت به هر اساتید ماهر و کار فهم دیگر شناسایی شده اند. این کارمندان ماهر و چیره دست و مدرنیزی و عصری «محمد بن سلمان» خواستار باز پرداخت صدها میلیون دلار از ملیاردرها عربستان سعودی شدند، و از سوی هم جنرالها به نسبت باز نشستگی زود هنگام خود از حقوق باز نشستگی و فرماندهی و دستورات خود محروم شدند، لذا این شهزاده های عربستان سعودی پس از پرداخت پول و آزادی و رهایی از بند برادرانه فرار را به فرار ترجیح دادند و به خانه های مجلل و ویلاهای خود واقع در بیروت برای آرامش خاطر بازگشتند. نحوه و شرایط آزاد شدن آنها موکول به پرداخت مبالغ غارت شده از دولت پادشاهی عربستان سعودی که توسط آنها چپاول شده بود برای تامین صندوق «کلاس جدید» در عربستان سعودی جدید تحت تخت و تاج شهزاده «محمد بن سلمان»

قید و مشروط بود .

با اینحال سرمایه گذاران غربی با بستن دهان خود با بی سروصدا چشم خود را با در نظر داشت نقطه گذار بین رکود اقتصادی و دریافت بهبودی به ثروت «سنتی» عربستان سعودی دوخته بودند ؛ چونکه آنها این اطمینان را نداشتند که محمد بن سلمان با جرات و دلیری تام در موقف اصلی خود بخاطر تحقق مدرنیزی و عده داده شده ای خود پابرجا و ثابت ممکن است که باقی بماند. لذا آنها این ضرورت را احساس میکردند تا بدانند که اسهام آنها قربانی منافع و سود از کلاهبرداران بزرگ نخواهد شد آیا آنها به نسبت اتهام به محکوم شدن شان در میان میلیاردرهای فاسدرنج می بردند که وارد قلمرو جدید شهزاده محترم شد ند. این همه پرسشهای است که ذهن آنها را بخود مصروف ساخته بود و ساخته است .

از وضع کنونی چنین معلوم میشود که شاید محمد بن سلمان در این اواخر تحت نام عدالت بزرگترین لرش و تکانه خوردن به پاپین را توام با ارباب با سوی استفاده از قدرت در دست داشته اش انجام داده باشد ؛ اما تا هنوز هیچ نشانه ای از جامعه متنوع ؛ مدرن و پررونق و رفاه که در شبه جزیره عرب رخ داده باشد بچشم نمیخورد و در بعضی از قسمتهای این شبهه جزیره تعداد انواع از حامیان تکان خوردن به پاپین یا کلاهبرداران اعم از هنرمندان ، برنامه نویسان و رسامان و نقاشان وجود دارد که اکثر آنها به تحسین و به صفت شهزاده کف میزنند همه و همه در انتظار غارت و چپاول روز شماری مینمایند و یا اینکه در بعضی از بخشهای این شبهه جزیره محمد بن سلمان پیوسته شرایط وزمینه قحطی و ناامیدی و وباه و جنگ و بمب گذاری را از جمله برای مردم یمن مساعد ساخته و یا به بار آورده است که از نظر هیچکس پوشیده نیست پس اگر اسرائیل میتواند بقای فلسطین را بعنوان یک زندان آزاد در نظر بگیرد پس محمد بن سلمان نیز میتواند فلسطینی های خود را در یمن برای تمرین هدف اش پیدا کند .

تکانه ولرش در چین : چین همین اکنون در روند ازدو تحولات بزرگ قرار دارد که یکی از آن بیش از یک میلیون کارمند و مقامات دولتی و میلیونر های بالا و پاپین رتبه چینیایی که مالیات خود را در صندوق پس انداز خزانه داری عمومی میریزند و یا میپردازند سال آینده جدید چین را جشن میگیرند .

نباید فراموش کرد که چین همین اکنون بیش از (25) میلیارد دالر را برای سروسامان دادن و تطبیق پروژه های نوآورانه و یا جدید با تکنالوژی پیشرفته، اصلاح موارد اقتصادی کاهش آلودگی هوا و به گسترش پایه های دولت رفاه اجتماعی صرف نموده است .
اکنون چین در نظر دارد که بیش از یک تریلیون دالر را صرف پروژه های بزرگ زیربنایی جهانی نماید که به احداث همچو پروژه های بزرگ زیربنایی جهانی میخواهد چین را با چهار قاره در شبکه تجاری تحت نام یک جاده و یک کمربند (one road

one belt and مدغم و متصل سازد.

چین همین اکنون در قطب مخالف عربستان سعودی قرار دارد یعنی چین به جای جبران خسارات و تهدید از سوی دولت که در عربستان سعودی توسط محمد بن سلمان اعمال میشود صورت نمیگردد بلکه چین یک تحول بزرگ و برجسته ای را به تجربه میگیرد و آن اینکه پول زیادی را در چند جهت سرمایه گذاری میکند: مثلاً بکار بستن پروژه های خارج از کشور بگرض ارتقای روابط تجاری با کشورها؛ پروژه های در حال پیوند دادن کسب و کار با تکنولوژی بالا و سود بیشتر؛ پروژه های کوچک و یا نزولی (downward) بگرض آموزش و گسترش نیروی کار ماهر و حرفه ای؛ کاهش آلودگی هوا؛ افزایش رفاه اجتماعی؛ نجات زندگی از افزایش استثماری و بهره وری.

چین برخلاف ایالات متحده امریکا بخش تولیدی خود را به اندازه کافی تغذیه و تقویه نموده است و سرمایه گذاری آن هرگز فاقه و گرسنه نیست. کارخانه های متوسط در ایالات متحده امریکا نسبت به کارخانه های کنونی **چین** دوبرابر کهنه و فرسوده میباشد و از سوی هم ایالات متحده امریکا برای جذب و دسترسی به تولید محصولات **چینی** باید بیش از (115) میلیارد دلار را بخاطر تصنع تولیدات چین در سه دهه آینده سرمایه گذاری کند.

دسترسی محدود؛ ده ها هزار شرکت های کوچک و متوسط به سرمایه گذاری در ایالات متحده امریکا به نسبت کم بهره وری (تولید) و کاهش صادرات، این شرکت ها را مواجهه به تهدید و یا محکوم به سقوط ساخته است.

اما بالمقابل دولت چین بصورت مستقل روند سرمایه گذاری را به سرمایه گذاران بطور هرچه گسترده بادر نظر داشت به هر اندازه که آنها میخواهند تولید کنند زمینه را مساعد ساخته است؛ علاوه بر آن چین زمینه را برای تولید کنندگان محلی در امر بهم پیوستن و متصل شدن به زنجیره ای عرضه کالا با صادر کنندگان بزرگ کالا مساعد نموده است. و از جانب دیگر چین خود مشوق های صریح کاری را برای صادر کنندگان و تامین کنندگان محلی فراهم آورده است تا آنکه این اطمینان را حاصل نماید که سود بدست آمده از کالاهای عرضه شده بفروش رسیده در بازار داخلی مجدداً سرمایه گذاری شود.

حالآنکه در ایالات متحده امریکا تامین کنندگان چند ملیتی خارج از کشور قرار دارند که درآمد آنها در خارج از کشور ذخیره میشود هرگاه اگر سود بدست آمده به ایالات متحده امریکا بازگردد این سودها به بازار پرداخت سهام و سود سهام سهامداران اختصاص می یابد و هرگز این سود بدست آمده برای تولید دوباره سرمایه گذاری نمیشود.

پکن افزایش و کاهش بدهی ها را در بازار همه جانبه مدیریت میکند تا که توسعه دینا میکی و یا پویایی را با سطح کارایی و بهره وری بی نظیر در ایالات متحده

امریکا ترویج وبه آن موثریت بخشد.

از سوی دیگر چین در مقایسه با هرج مرج بی نظیر موجود در بازار به اصطلاح (آزاد امریکا) و متحدان پرازیتی و هنرمندان خرده و نا در کوپن دار عربستان سعودی؛ روند بدهی ها و سرمایه گذاری را در بازار با چشمان باز از نزدیک نظارت میکند.

ایالات متحده امریکا: اقتصاد سیاسی توطیه گونه و افتضاح آمیز و فرار سرمایه

آزادی مطلق و بی بند و بار اقتصاد سیاسی برای همه در ایالات متحده امریکا بویژه برای دست اندرکاران و توطیه گران بی بند و با زمینه فرار سرمایه را به بیرون از کشور مساعد ساخته است. دولت بجای اینکه یک برنامه اقتصادی که بتواند امریکا را مجدداً (امریکای بزرگ) بسازد با چهره های سیاسی اخاذی و متنفذ بین فریبده عربستان سعودی منحصر بفرد در یک اتحاد سیاسی سراسری و جهانی قرار میگیرد و این هردو کشور با برخورداری از چهره های سیاسی تظہیر شده و سراپا تسلیم شده هرگز از لانه و کاشانه ای ویرانگری جنگ به بیرون قدم برنداشته اند و یا از ویرانگری و از جنگ دست نکشیده اند. از جانب دیگر ایالات متحده امریکا بادر نظر داشت پس منظر تاریخی خود بعنوان یک کشور دارای سرمایه گذاران فاسد و متضاد و متحدین پرازیتیک خود هرگز آعاز بکاری نکرده است که زمینه رفاه همگانی را فراهم نموده باشد آنچه که در اینجا قابل تذکر است، اینست که ایالات متحده امریکا زمانی یک کشور صنعتی قدرتمند و منحصر بفرد بود که سرمایه گذاری های مالی و سرمایه گذاری های خارجی را برای فراهم آوری مواد خام برای رشد صنایع داخلی بکار میبرد و سود بدست آمده را برای بهره وری (تولیدات) بیشتر مجدداً در داخل کشور سرمایه گذاری میکرد.

مقامات ویا حلقات زیدخل امریکایی چه در رقابت های سیاسی وچه در رقابت های انتخاباتی تقلبی و نیمه تقلبی، کمترین میزان مشارکت را برای خود اختصاص داده اند چراکه این مقامات در زمان خود بیشتر بخاطر حفظ موقف خود تلاش بخرج داده اند و یا سازش و توافقات متقابل ثابت زمینه را برای ایجاد خرابی ها در اداره مساعد ساخته اند. اکنون همه چیز تغییر کرده است و یا پیوسته در حال تغییر و دیگرگونی است؛ استعمار جدید و یا استثمارگران کنونی مواد خام بیشتر را به خارج عرضه میکنند؛ آنها برنامه های تولید سرمایه مالی را با مصارفات کم هزینه و ارزان پیشکش و ارایه میکنند و امیدوار هستند که با همچو روش بتوانند دسترس ازاد و ارزان به استخدام کارگران با اجوره ارزان و نیرومند و سالم و تحصیل کرده راداشته باشند؛ تولید کنندگان کنونی ایالات متحده امریکا از افتخارات قدیم خود بیرون آمده و یا دست برداشته آند و تمایل بیشترشان به سرمایه گذاری در خارج از کشور شده است یعنی که صدور سرمایه را به خارج از کشور ترجیح میدهند- آنها سود مالی را در پناهگاههای مالیاتی بدست آورده و خوشحال اند از اینکه از پرداخت مالیات ها برای تامین مالی جدید از کارگران امریکایی جلوگیری بعمل می

آورند سرمایه مالی همزمان در ارتباط به صنعت تغییر کرده است و آن اینکه در حال حاضر سرمایه صنعتی برای تامین سرمایه مالی، سوداگری، احتکار، املاک و مستعلات بخش های بیمه و ابزارهای الکترونیکی، بازی ها در آی فون (I-phon) با خود باعث ترویج انزای خود و تنبلی و سبب با خود پیچ و نجوا کردن شده است.

والستریٹ (WALL STREET) وادی سیلیکون (SILICON VALLEY) و هالیوود (Hollywood) جاگزین دیترویت (Detroit) پیتسبورگ (Pittsburgh) کلیولیند (Cleveland) و شیکاگو (chicago) شدند؛ دلان سهام شرکتها بیشتر شد در حالیکه سازندگان ابزار اصلی یا مردند و یا ناپدید شدند کارگران و کودکان بیشتر معتاد به دوز بلند اوکسی (Oxy = مخلوط از کوکاین و هیروین) شدند.

سیاستمداران در دوران انتقالی هیچ ارتباطی با صنعت داخلی نداشتند، آنها در رسیدن به یک توافق نیرومند با متحدین خود بویژه با عربستان سعودی و اسرائیل بخاطر ترویج و گسترش جنگ و جدال و خشونت در بیرون از مرزها و به ترویج کشمکشهای داخلی با برآوردن توطیه ها و مخالفت ها در بین رای دهندگان دست یافتند. جنگ ویتنام و قضیه واترگیت، دامن زدن به خشونت در بین مردم افغانستان، ضدیت و مخالفت روزافزون با مردم ایران، دنبال کردن سیاست اقتصادی ریگان (ریگانومیک) ریس جمهور سابق ایالات متحده آمریکا، چاق کردن مخالفت ها در یوگوسلاویا و تدوام جنگ و جدال در عراق، حملات و یورش های هواپیماهای بدون سرنشین در کشورها، بمب گذاری های بیحد و حصر، رسوایی های جنسی خانم هیلاری بل کلنتون در کاخ سفید که همچو رسواییها در زمان زاماداری او به حیث وزیر امور خارجه بحد نهایی خود رسید به دادستانها و فرماندهان خاص به رسمیت شناختن جنایات را ارزانی بخشید..... در این دوره انتقالی تاریخی، فرهنگ سیاسی ایالات متحده آمریکا و بخصوص فرهنگ حلقات بسر اقتدار چهره ای جدید را بخود گرفت و این چهره و سیمای جدید همانا ترویج جنگ و جدال و خشونت، فریب کاری ها و تقلب های مشهود و الستریٹ و رسوایی های واشنگتن و ایمل های خانم هیلاری کلنتون افزون بر آن زد و بندها در دوران مبارزات انتخاباتی دونالد ترومپ همه و همه با پیامد جنگ الهه کوکین (cuckquan) هرج و مرج، درهمی و برهمی بالمقابل، قاپیدن املاک و مستعلات و چپاول و سرقت های حرفه ای شامل در فرهنگ سیاسی ایالات متحده آمریکا چهره نمایی میکند.

کمپین و مبارزات انتخاباتی دونالد ترومپ در کشور با خوشحالی از نخبگان تجاران و کسب و کار ویا سرمایه گذاران مالی (با تعهد کاهش مالیات، رفیع قوانین، الودگی مجدد و بالا بردن درجه حرارت زمین با تعداد انگشت شماری از مشاغل) بدرقه شد و از سوی هم بصورت موفقا نه آنچه که دونالد ترومپ به زنان هتک حرمت کرده بود ویا به موقف زن به دیده حقارت نگریسته بود کنار گذاشته شد.

حلقه‌های جنگ طلب؛ والستریته؛ سیلیکون ویلی؛ و هالیوود باهم یکجا در تنظیم پارامترهای اقتصاد سیاسی ایالات متحده آمریکا به تلاش‌های مشترک خود ادامه می‌دهند.

هیلاری کلنتون با **المقابل** روند مبارزات انتخاباتی **دونالد ترامپ** را به باد انتقاد گرفته و این انتقاد خود را در سخنرانی‌ها و در تویتر خود با حيله‌گری‌های بینظیر آشکار ساخته و مدعی شده است که ارتش روسیه با توطیه و هکر کردن رای اکثر رای‌دهندگان به نفع **دونالد ترامپ** در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مداخله کرده است و روسیه توانسته است که رای میلیون‌ها انسان فقیر و تهیدست را که به او رای داده بودند آنرا هکر کرده است.

بجا است که گفته شود و آن اینکه تمام رسانه‌های دیجیتال بطور خودکار دوستان و متحدان را در نوار سیاسی اداره **دونالد ترامپ** بصورت برهنه و آشکار افشا نموده است که این افشاگری‌ها شامل لست متهمان و گماشتگان و ردنازدهای انتصابی توأم با خط‌مشی‌های نادرست‌شان می‌باشد و از جانبی با توجه به سخنان مبهم دادستان از اینکه او دست به چنین افشاگری زده است که او زنگ توطیه‌های ارتش روسیه را شامل دریک لست به رسمیت شناخته و نیز در مورد فعالیت لابیگران و اشنگتن تذکر داده است و در عین زمان از نفرت و انزجار «نفرت‌انگیزان» نیز سخن گفته است.

دونالد ترامپ با انتقاد از توطیه‌های که روسیه در روند مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری زده است در رد آن اظهار نظر کرد و در نیمه شب در تویتر خود اقدام به نامزد شدن یک جنرال متقاعد که در دوران زمامداری با رک‌اوباما در هفت جنگ شکست خورده بود نمود و هم در عین وقت یک دوشیزه خوشگلی را از کارولینای جنوبی پیدا کرد کسی را که در سازمان ملل متحد بعنوان نماینده ایالات متحده آمریکا همسازان ابرسمارقی نظرها را بخود معطوف ساخت که البته بدون شک و تردید در گماریدن این جنرال بازنشسته و این دختر زیبا مشوره‌های مشا و رین صیهونیستی را از اتاق‌های تنویر یهودیان و مشوره‌های اعضای فامیل **دونالد ترامپ** نمیتوان نادیده گرفت بویژه مشا و رین صیهونیستی که دوبار در جنگ‌های جدید خاورمیانه حضور داشتند.

جنرال‌های اطراف **دونالد ترامپ** و دوستان صیهونیست او از یکطرف و دموکرات‌ها ضد فاشیست‌ها و چپ‌گرایان باهم یکجا به تشکیل گروه مقاومت بخاطر آزادی پرداختند آزادی بخاطر سانسور اخبار را جاکزین یا بگو مگوها مبنی بر تضعیف مداخله در مورد موضوع دخالت روسیه در روند انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، افشای تسخیر اراضی اکراین، موضوع قرارداد هسته‌ای ایران و در مورد هشداری‌های بی‌پایه تل‌ابییب در مورد تهران. و از سوی هم از طرف **جرید کوشنر** مشاور ارشد ریس جمهور و شهزاده عربستان سعودی ر بوده شدن نخست وزیر لبنان و خبر استعفای او از نخست وزیر لبنان مورد تمجید و ستایش قرار گرفت - لذا میتوان گفت

که با گذشت هر روز یک توطیه جدید و یک رسوایی تنفرآمیز از جانب دست اندکاران این حلقات جنگ و ستیز ایالات متحده امریکا رقم زده میشود و البته که بخش خبرهای جعلی نیز شامل این توطیه ها است که توسط رادیوهای ملی عامه تحت نظر همین حلقات صورت میگیرد .

تهدید به جنگ در سراسر خاورمیانها در حال گسترش است ، از سوی هم به چه تعداد از اعضای خانواده ها در این جنگ ها بالآخر اتحاد نامقدس سه گانه اعم از عربستان سعودی و اسرائیل و ایالات متحده امریکا زندگی خود را در افغانستان سوریه و عراق و فلسطین و یمن از دست داده اند و تا هنوز مردم بی گناه این کشورها در تحت شکنجه و تحقیر روانه زندان میشوند و توسط همین حلقات جنگ طلب در بخش خبرهای داخلی بغرض ایجاد ترس و رعب به چه توطیه ها و دسیسه ها دست زده میشود متحد نزدیک ایالات متحده امریکا یعنی عربستان سعودی همین اکنون در یمن هزاران انسان معصوم و بی گناه را در معرض تهدید گرسنگی و فحطی و مرض کولرا عدم دسترسی به تسهیلات طبی قرار داده اند و به کشت کشتار آنها پرداخته که تا همین اکنون به هزارها انسان جان شریف خود را از دست داده اند .

اما روزنامه واشنگتن پست و نیویارک تایمز (ABC) و (NBC) و (CBS) همان تصویر و عکس زمخت دونالد ترامپ را که در کنفرانس صلح به نشر رسیده بود در صفحات اول خود به نشر می سپارند . تصویر دونالد ترامپ را که در حدود یک تریلیون دالر مالیات شرکت های الیگارشسی را قطع و در توئیتر خود آنرا با نشاط و خوشی اعلام نمود تکانه ولرزش بزرگ به پا بین (the Big shakingdown) و همه چیزها در مورد کلاهبرداری ها و طرح جنسیت همه بخاطر غافلگیر شدن مردم و بخاطر حفظ امنیت و الاستریت و پنتاگون .

نتیجه :

سه کشور اعم از اسرائیل و عربستان سعودی و ایالات متحده امریکا است که امروز جهان را در جهت های مختلف به لرزه و جنبیدن و تکان خوردن آورده اند . در عربستان سعودی محمد بن سلمان در یک منطقه ناستوار و شکننده مشغول شوراندن و تکان دادن است و به دزدی و کیسه بری یک تریلیون دالراز جیب های شماری از شهزاده گان خلع سلاح شده و اجاره داران نفت خام عربستان سعودی تحت عنوان جبران خساره ویا پرداخت غرامت دست بکار است و از جانبی هم این شهزاده عربستان سعودی یعنی محمد بن سلمان به اقدامات متوصل شده است که مردم بی گناه یمن را مواجهه به گرسنگی فحطی و با و نموده و با حملات و تجاوزات پیهم نیروهای تجا و زگر خود هزاران انسان را در یمن نیست و نابود کرد و پیوسته به اعمال شنیع خود در آن کشور و فراتر از آن کشور ادامه میدهد .

چین در صدد ایجاد یک (تغیر) در یورآسیا است ؛ و میخواید که با احداث پروژه ای تحت نام یک جاده و یک کمربند (جاده ابریشم مدرن) به زنجیره ای با زار های قاره ها بخاطر عرضه کالای ساخت چین توسط تجاران وطنی و شرکای تجاری خود راه باز کند .

ایالات متحده امریکا به لرزه و تکان دادن مصروف است که میخواید بعنوان یک رهبر بلا منازعه به سرعت و به عجله ثروتمندان را بیشتر ثروتمند تر سازد و بخاطر نیل به این هدف به طرح توطیه ها و کشف توطیه های نا منکشف شده و تهمت زنی ها و پخش کردن شایعات بی پایه و افتضاح آمیز مصروف است و این امریکا است که بما میگوید که معنی و مفهوم آزادی واقعی افشا کردن و آزار واذیت دادن و اجرای اعمال زشت بر تهیدستان است که آنها حقیقت را کتمان میکنند ؛ حقیقت رسمی تبدیل به یک تپه مزه ای از زعفران شده است .

سرانجام در نهایت امر تنها میتوان برای یک تکان دادن عالی چشم براه و امید وار بود و بس .

در مورد نویسند ه این مقاله : جیمز پتراس پروفیسور با رتل (پروفیسور

بازنشسته) و جامعه شناس در دانشگاه نیگامتن در نیویارک .

----- **با تقدیم احترامات (2017-12-15)**